

ادامه از صفحه ۳

حصر، فساد دولت احمدی‌نژاد حوادث ۶۷

وزیر دادگستری گفت: «کسانی که می‌گویند شما پرونده دارید، اتهام آشکار می‌زنند و قابل پیگیری است، چون آنها خود می‌دانند قرار منع‌پیکرد برای من صادر و اصلا پرونده بسته شده است و جالب آنکه دولت سابق حتی در وقت مقرر اعتراضی به حکم نکرد».

احتمالا منظور «پورمحمدی» از اتهام‌زنندگان، طیف احمدی‌نژاد باشد. چراکه ۲۵ مرداد امسال، «جوانفکر» از افراد حلقه اول «احمدی‌نژاد»، در نوشتاری وزیر کشور دولت نهم را متهم به سوءاستفاده مالی در دوران وزارتش در دولت «احمدی‌نژاد» کرده بود. این اتهامات پس از این وارد شد که وزیر دادگستری از نقش «اسفندیار رحیم‌مشایی»، یار گرمابه و گلستان «احمدی‌نژاد» در فساد عظیم سه‌هزار میلیاردی، سخن گفت. از «رحیم‌مشایی» به‌عنوان لیدر جریان انحرافی یاد می‌شود. آیت‌الله «آملی‌لاریجانی»، رئیس قوه قضائیه، نیز ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۰ گفته بود: «جریان انحرافی در مفاسد اقتصادی هم غوطه‌ورند و بی‌امان جلو می‌روند».

وصل بودن مرتکبان فسادهای میلیاردی به عوامل پشت‌پرده

وزیر دادگستری در ادامه این نشست، در مورد ریشه و عامل فساد اقتصادی گفت: «کسانی که مرتکب فسادهای میلیاردی می‌شوند، متصل به عوامل پشت‌پرده هستند. این افراد بی‌جریان حامی شامل؛ رسانه، شبکه وکالت تا افراد بانفوذ را در اختیار دارند. به‌طورکلی با وقوع هر فساد یی یک جریان حامی ساخته می‌شود. به‌هرحال این دولت برای مبارزه با فساد جدی است، آن‌هم نه شعاری و پس از اتفاق. اکثر پرونده‌هایی که امروز بررسی می‌شود مربوط به فساد در گذشته است. متأسفانه برخی رسانه‌ها و افراد سعی دارند برای دولت یازدهم حاشیه درست کنند و باعث بدنامی آن شوند. به همین دلیل به دولت اتهام زدن و رانت ۶۵۰ میلیون‌یورویی را مطرح کردند که هیچ‌گاه اثبات نشده». وزیر دادگستری درباره نقش رسانه‌ها در خصوص مبارزه با فساد نیز گفت: «هنر آن است که دولت‌ها این مشکلات را در سریع‌ترین حالت اصلاح و برطرف کنند. رسانه باید حضورش جدی باشد حتی آنجا که سیاسی برخورد می‌کند. حضور رسانه بستر سلامت است. البته باید از رسانه خواست تا صادقانه برخورد کند. درکل حضور رسانه چون به شفاف‌سازی و زنده‌نگه‌داشتن مسئله کمک می‌کند، خوب است». وزیر دادگستری گفت: «واقعیت این است که باید پرونده‌های فساد را علنی کرد و نگذاشت در لایه‌های پنهانی بماند. بسیاری از قضات و کارشناسان بر این باورند که ما منع علنی‌کردن حکم داریم. چون قانون این موضوع را تعیین کرده است؛ ولی باید تلاش کرد مواضع قانونی برطرف شود».

توضیحاتی درمورد حوادث سال ۶۷

پورمحمدی همچنین در پاسخ به سوآلی درباره حواشی حوادث سال ۶۷ و اعدام‌های آن دوران گفت: «حوادث جنگ را باید با توجه به شرایط و موقعیت آن دوران مورد بازخوانی و تحلیل قرار داد. تا وقتی انسان در شرایط جنگ قرار نگیرد نمی‌تواند درخصوص حوادث آن سال‌ها به‌درستی قضاوت کند. حوادث سال ۶۷ هم از بحث جنگ تحمیلی جدا نیست و حتما برای توضیح بیشتر نیاز به فرصت کافی است». او یادآور شد: «ما از ابتدای انقلاب و در طول سال‌های جنگ تحمیلی با ضدانقلاب و نیروهای روبه‌رو بودیم که قصد سرنگونی انقلاب با هدف جدایی‌طلبی داشتند و از هیچ جانیته هم فروگذاری نمی‌کردند. به‌هرحال اگر جدیت نیروهای انقلابی در آن زمان نبود، نمی‌توانستیم مقابل ضدانقلاب، گروهک‌ها و منافقین بایستیم. گفتم تا وقتی انسان در شرایط جنگ قرار نگیرد نمی‌تواند درخصوص حوادث آن سال‌ها به‌درستی قضاوت کند. باید واقعیت‌های جنگ را درک کنیم. در جنگ اگر بخواهید در کشیدن ماشه علیه دشمن تأمل کنید و حرکتی انجام ندهید، مسلما کشته خواهید شد». قائم‌مقام و معاون پیشین وزیر اطلاعات در ادامه یادآور شد: «آمریکا و مخالفان جمهوری اسلامی از همان ابتدای انقلاب این مطلب را طرح می‌کردند که این نظام چندماه دیگر بیشتر بر سر کار باقی نمی‌ماند ولی ما در طول جنگ نهن‌تا به بحث حفظ انقلاب بلکه صدور فرهنگی آن را نیز مطرح می‌کردیم و هرسال این موضوع را یادآور می‌شدیم که انقلاب اسلامی مقتدرتر از سال قبل در حال فتح قله‌هاست. آنها بعد از چندسال وقتی دیدند که ادعای سرنگونی جمهوری اسلامی بی‌فایده است، به سمت تحریم‌های فلج‌کننده حرکت کردند.... ما دو سال سخت در این ۳۷ سال به‌لحاظ اقتصادی داشتیم که با هیچ‌سالی قابل مقایسه نیست؛ یکی سال پایانی جنگ و دیگری امسال».

امتحان هم‌می‌دهم

«پورمحمدی» در پاسخ به سوآلی درباره شرکت در انتخابات خبرگان با توجه به سوابق تحصیلی و تجربیات کاری‌اش گفت: «البته بحث درباره این موضوعات فعلا زود است ولی به وقت خود در این خصوص اقدام خواهم کرد». او همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا امتحان هم خواهید داد؟ گفت: «بله؛ بنده معتقدم باید به قانون پایبند بود و پایبندی ما به قانون از خود ما آغاز می‌شود؛ بنابراین از نظر بنده اشکالی ندارد. اگر از من بخواهند، در امتحان شرکت می‌کنم».

ادامه از صفحه ۶

طولسی نکشید حبیب‌الله عسکراولادی‌مسلمان، نماینده رهبر انقلاب در کمیته امداد امام‌خمینی، که برای چند دهه رهبری این گروه را به دست داشت، در دی‌ماه سال ۱۳۸۲، همراه با بخشی از دگرگونی‌ها در ساختار تشکیلاتی، از این سمت کناره‌گیری کرد و به جای وی محمدنبی حبیبی، شهردار پیشین تهران، دبیرکل «حزب مؤتلفه اسلامی شد. به جای «جمعیت»، عنوان «حزب» همچنین بر سربرگ‌های رسمی آن حک شد.

سال‌های دهه سوم وحاکمیت اصولگرایان

دهه سوم انقلاب که به سال‌های پایانی رسید، باز هم این جناح اصولگرا بود که بر کرسی دولت، مجلس و شورا‌ها تکیه زد. انتخابات مجلس هفتم، در شرایطی برگزار شد که حضور تعدادی از نمایندگان اصلاح‌طلب شاخص مجلس ششم و سایر اصلاح‌طلبان در آن رد شد. باین‌حال، همان تابولی «آبادگران» بود که در دست نفر اول نیروهای نسل دوم جناح اصولگرا- احمد توکلی- قرار گرفت و دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، با حضور آنان رسمیت یافت و البته چهره‌های جوان‌تر مؤتلفه مانند علی عباسپور، جواد آرین‌منش، فاطمه رهبر و... هم بر کرسی‌های مجلس هفتم نشستند. دولت به سوی انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست‌جمهوری نهم سوق پیدا کرد. نامزد مورد حمایت مؤتلفه، «خروجی شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» یعنی علی لاریجانی بود. با این حال، شرایط آن انتخابات، مانند چندین نامزد اصولگرا و دوقطبی که محمود احمدی‌نژاد با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی ساخت، سرنوشت را به‌گونه‌ای دیگر تغییر داد. یک سال بعد در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس هفتم که هم‌زمان با انتخابات شورای سوم برگزار شد، اسدالله بادامچیان در حوزه انتخابیه تهران به رقابت با سهیلا جلیلودارزاده پرداخت. دو نامزد از دو تشکل قدیمی اصلاح‌طلب و اصولگرا یعنی خانه کارگر و حزب مؤتلفه اسلامی مقابل هم قرار گرفتند و نتیجه به سود اصلاح‌طلبان رقم خورد. بادامچیان اما دو سال بعد توانست وارد مجلس هشتم شده و در کمیسیون فرهنگی پارلمان، به فعالیت بپردازد. با وجود اینکه در همه سال‌هایی که دولت احمدی‌نژاد، مورد حمایت همه‌جانبه و مشتاقانه اصولگرایان به‌ویژه حزب مؤتلفه اسلامی قرار داشت اما از هیچ‌یک از اعضای باسابقه و توانمند آن در بدنه دولت استفاده نشد. باز هم چهره‌های جوان‌تر اصولگرا بودند که به عناوین مختلف، تشکیلات به راه انداختند و گاهی با عنوان رایجه خوش خدمت، حامیان احمدی‌نژاد یا جبهه

سیاست

بازاریان سیاسی

پایداری، در انتخابات مجلس و شورا‌ها فعال شدند. نامزدهای شناخته‌شده حزب مؤتلفه در انتخابات مجالس هشتم و نهم، راهی به مجلس نیافتند. اسدالله بادامچیان و محمدنبی حبیبی، در بین ۳۰ منتخب تهران قرار نگرفتند. پس از آن بود که مؤتلفه با ناخترسندی از عملکرد اصولگرایان به‌ویژه جریان پایداری، اعلام کرد برای انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، نامزد اختصاصی

خواهد داشت. دوم اسفند ۹۱ و در شرایطی که اصولگرایان موضوع منتقدانه نسبت به دولت محبوب خود یعنی دولت احمدی‌نژاد داشتند، حمیدرضا ترقی عضو شورای مرکزی مؤتلفه اعلام کرد این حزب یحیی آل‌اسحاق را به‌عنوان کاندیدای نهایی خود به جبهه پیروان خط امام و رهبری پیشنهاد کرده تا در کنار شورای اسلامی، با حضور آنان رسمیت یافت و البته چهره‌های جوان‌تر مؤتلفه مانند علی عباسپور، جواد آرین‌منش، فاطمه رهبر و... هم بر کرسی‌های مجلس هفتم نشستند. دولت به سوی انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست‌جمهوری نهم سوق پیدا کرد. نامزد مورد

حمایت مؤتلفه، «خروجی شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» یعنی علی لاریجانی بود. با این حال، شرایط آن انتخابات، مانند چندین نامزد اصولگرا و دوقطبی که محمود احمدی‌نژاد با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی ساخت، سرنوشت را به‌گونه‌ای دیگر تغییر داد. یک سال بعد در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس هفتم که هم‌زمان با انتخابات شورای سوم برگزار شد، اسدالله بادامچیان در حوزه انتخابیه تهران به رقابت با سهیلا جلیلودارزاده پرداخت. دو نامزد از دو تشکل قدیمی اصلاح‌طلب و اصولگرا یعنی خانه کارگر و حزب مؤتلفه اسلامی مقابل هم قرار گرفتند و نتیجه به سود اصلاح‌طلبان رقم خورد. بادامچیان اما دو سال بعد توانست وارد مجلس هشتم شده و در کمیسیون فرهنگی پارلمان، به فعالیت بپردازد. با وجود اینکه در همه سال‌هایی که دولت احمدی‌نژاد، مورد حمایت همه‌جانبه و مشتاقانه اصولگرایان به‌ویژه حزب مؤتلفه اسلامی قرار داشت اما از هیچ‌یک از اعضای باسابقه و توانمند آن در بدنه دولت استفاده نشد. باز هم چهره‌های جوان‌تر اصولگرا بودند که به عناوین مختلف، تشکیلات به راه انداختند و گاهی با عنوان رایجه خوش خدمت، حامیان احمدی‌نژاد یا جبهه

افراد در میان نامزدهای نهایی انتخابات قرار نگرفت و حضور هم‌زمان جلیلی، قالیباف، ولایتی و محسن رضایی در انتخابات، مشخص نکرد که بالاخره نامزد مؤتلفه در انتخاباتی که به پیروزی نامزد موردحمایت اصلاح‌طلبان یعنی حسن روحانی انجامید، چه کسی بود؟ به‌هرحال از بعد از سال ۸۴ تا کنون با وجود تغییر فضای سیاسی کشور و محدودشدن اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس، شورای

شهر و حتی ریاست‌جمهوری، مؤتلفه نتوانست آن‌گونه که شایسته منسجم‌ترین تشکیلات جناح اصولگراست نیروهای خود را وارد این نهادها کند. در این سال‌ها نقش مؤتلفه بیشتر موضع‌گیری سیاسی و حضور در ترکیب هیات‌رئیس‌ه «اتلاف»‌هایی است که قرار بوده به «خروجی واحد» برای فهرست‌های انتخاباتی و حتی مواضع سیاسی اصولگرایان منتهی شود اما به دلایل بسیاری چنین نشده است. در این میان، مواضع متفاوت مرحوم حبیب‌الله عسکراولادی پیرامون وقایع مختلف که از سوی ایشان هرازچندگاهی و به‌ویژه موضوعی که چند ماه قبل از درگذشت وی اعلام شد، به عنوان اختلاف نظر در این حزب سیاسی، مورد توجه قرار گرفت. چندی قبل با

است.

در این میان، مواضع متفاوت مرحوم حبیب‌الله عسکراولادی پیرامون وقایع مختلف که از سوی ایشان هرازچندگاهی و به‌ویژه موضوعی که چند ماه قبل از درگذشت وی اعلام شد، به عنوان اختلاف نظر در این حزب سیاسی، مورد توجه قرار گرفت. چندی قبل با

مؤتلفه‌ای‌ها

مهرماه سال ۹۱ بود که اعضای دهمین مجمع عمومی حزب مؤتلفه اسلامی، ۲۳ درصد از اعضای اصلی و علی‌البدل شورای مرکزی حزب را تغییر دادند. از میان ۷۰ نامزد شورای مرکزی، اسامی زیر حائز اکثریت آرا برای حضور در شورای مرکزی شدند: سیدمصطفی آقا میرسلیم، محمدمهدی اسلامی، محمدعلی امانی، محمدکاظم انبارلویی، حسین انواری، اسدالله بادامچیان، علی بنایی، پزشکیان، حمیدرضا ترقی، ابوالفضل توکلی‌بینا، جعفر جوادی‌شجونی، سیدمهدی جولاپی، ابوالفضل حاجی‌حیدری، محمدنبی حبیبی، محمد خرستند، سیداصغر رخ‌صفت، رضا رفیق‌دوست، علی عباسپورتهرانی، حبیب‌الله عسکراولادی، اسدالله عسکراولادی، حسن غفوری‌فرد، امیر فارسی‌نژاد، حسن لاسجردی، عبدالرضا مصری، حسین همدانی، لاله افتخاری، طیبه حاجی‌محمدی‌زیدی، فاطمه رهبر و سیده‌فاطمه فخر. اما اعضای علی‌البدل: صالح اسکندری، محمدرضا اعتمادیان، محمدحسن ذاکری، نصر عزیزی و فضل‌الله فرخ. هفتم آبان ماه همان سال، با رأی بیش از دوسوم آرای شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی، دبیرکلی حزب محمدنبی حبیبی برای یک دوره دیگر تمدید و همچنین با رأی اکثریت قریب به اتفاق شورای مرکزی، اسدالله بادامچیان به‌عنوان نایب‌رئیس شورای مرکزی انتخاب شد و بعد از مدتی کوتاه، جای خود را به محمدعلی امانی داد. در میان این جمع، حبیب‌الله عسکراولادی چهاره باسابقه سیاسی کشور، ۱۴ آبان ۹۲ درگذشت و سایر اعضا، همچنان فعال هستند.

حکم مقام‌معظم‌رهبری، پرویز فتح به ریاست کمیته امداد امام خمینی منصوب شد و اعضای این حزب که در بخش‌های مختلف این کمیته مشغول فعالیت بودند، جای خود را به نفرات تازه‌تری دادند. این روزها اعضای حزب در هر زمینه‌ای مجاز به صحبت هستند، اما درباره حزب، حتما باید با تأیید مقامات بالا به گفت‌وگو با رسانه‌ها بپردازند. جواد آرین‌منش به خبرنگار «شرق» اعلام کرد چون دبیر استانی شده و در شورای مرکزی نیست، بهتر است درباره این حزب سخن نگوید، علی عباسپور هم دبیرکل، بادامچیان و ترقی را پیشنهاد کرد و حتی حمیدرضا ترقی هم که معمولا از رسانه‌ای‌ترین‌های این حزب است، نامه‌نگاری با مسئولان حزب برای اجازه گفت‌وگو را خواستار شد. دبیرکل مؤتلفه در نشست اخیر خبری خود، آخرین مواضع تشکل متبوعش را بیان کرده است: «ما در مقابل مخالفین انقلاب موضع داریم و حضور آنها را در انتخابات مجلس مشروع نمی‌دانیم و یکی از خطوط قرمز ما خط فتنه و دیگری جریان انحرافی است. حزب مؤتلفه اسلامی تا مقطعی از احمدی‌نژاد حمایت می‌کرد، اما پس از آن دست از حمایت از وی کشید...

. همه از رابطه بی‌عنی علی لاریجانی و جبهه پایداری مطلع هستند. مؤتلفه اسلامی در جلسات متعددی که با جبهه پایداری داشت در همین راستا با لاریجانی نیز دیدار و ملاقاتی دوساعته داشت. عده‌ای عنوان می‌کنند شما، هم با لاریجانی ملاقات می‌کنید و هم با جبهه پایداری. به‌هرحال آنچه مشخص است ما حزب مؤتلفه اسلامی هستیم و اگر کسی این تصور را داشته باشد که در صورت ملاقات با یک طیف، سلیقه و نظر آن طیف را اجرا و عملیاتی خواهیم کرد در حقیقت توهین بزرگی به حزب مؤتلفه اسلامی کرده است. اینکه سلیقه‌های مختلف با یکدیگر اصطکاک داشته باشند و ما نیز به این اصطکاک دامن بزنیم، خلاف مشی مؤتلفه اسلامی است زیرا ما علی لاریجانی و جبهه پایداری را اصولگرا می‌دانیم و معتقدیم برای انتخابات ۹۴ هیچ راه دومی جز اتلاف اصولگرایان وجود ندارد و اتلاف اصولگرایان را نه‌تنها برای انتخابات بلکه برای تمام اصول انقلاب ضروری و لازم می‌دانیم».

حالا مؤتلفه مدتی است که به سوی «پاران مصباح‌یزدی» متمایل شده و با دو تشکل جمعیت ایثارگران و جبهه پایداری، نشست مشترکی آن هم با حضور دبیران استانی برگزار می‌کند. این تغییر مسیر اگرچه می‌تواند با استدلال «مقتضیات زمان» مواجه شود اما درباره یکی از باسابقه‌ترین تشکل‌های سیاسی کشور، اما و اگر‌هایی را پدید می‌آورد.

منهای پایتخت

روحانی اهل سنت قشم:

اقدامات دولت یازدهم پیام‌آورامیداست

● ایرنا؛ قشم: شیخ محمدعلی امینی، رئیس حوزه علمیه بندر لنگه و امام جمعه اهل سنت روستای طبل از توابع شهرستان قشم، گفت: برنامه‌ها، طرح‌ها و اقدامات دولت یازدهم پیام‌آور امید به جامعه است، او افزود: این دولت به تمام وعده‌هایش مبنی بر توجه به حقوق همه شهروندان عمل کرده است. او موفقیت تبسم مذاکره‌کننده هسته‌ای و برداشتن تحریم‌ها را از خدمات دولت تدبیر و امید اعلام کرد و گفت: این دستاورد دولت یازدهم فضای ایران‌هراسی را شکست.

ادامه از صفحه اول

ساراماگوو سینمای ایران

همچنین کتابی بسیار زیبا درباره فیلم میگِل مندر موجود است. امیدوارم این کتاب هم روزی به ایران برسد. اطمینان دارم که پس از اتمام فیلم، احساس نزدیکی بیشتری با ساراماگو خواهید داشت، زیرا شناخت ساراماگو یعنی عشق‌ورزیدن به او. این را می‌دانم که می‌گویم. با همان احساس نزدیکی‌ای که در ابتدای این نوشته داشتم، به شما درود می‌فرستم: سلام گرم من به شما و تمام دوستداران سینما و ادبیات و ژوزه. و به‌زودی، شاید.

❖ پیلار دل‌ریو، همسر ساراماگو و رئیس بنیاد ژوزه ساراماگواست. ترجمه این متن را مبتاق جوادپورا انجام داده است. مؤسسه فرهنگی - هنری «آپ‌آرت‌مان» در ادامه نشست‌های تخصصی و برنامه‌های نمایش فیلم، شامگاه دیروز، چهارشنبه، فیلم «ژوزه و پیلار» را برای علاقه‌مندان به ژوزه ساراماگو به نمایش گذاشت. این مستند عاشقانه با اشاره به رمان «فیل سفید» ساراماگو آغاز می‌شود و نگاهی به زندگی مشترک او و همسرش، پیلار، می‌اندازد. با رسانه‌ای‌شدن خبر ارکان فیلم، «پیلار دل‌ریو، همسر ژوزه ساراماگو و رئیس بنیاد ساراماگو، بعد از اطلاع از نمایش این فیلم با عوامل این مؤسسه تماس گرفت و این یادداشت را خطاب به تماشاگران فیلم ارسال کرد. این اولین‌بار است که «دل‌ریو» به‌صورت مستقیم با مخاطبان ساراماگو در ایران سخن می‌گوید. یادداشت دل‌ریو، به‌صورت اختصاصی در اختیار روزنامه «شرق» قرار گرفته است.



روز جهانی خیریه گرامی باد

مؤسسه محک قدردان نیکوکاران و مؤسسات خیریه‌ای است که با فعالیت‌هایشان

در جهت کمک به همنوع و گام برداشتن در مسیر تعالی جامعه تلاش می‌کنند.

